

## انسان نباید از هیچکسی حتا از الله اطاعت کند معنای «فرمان» در فرهنگ ایران چیست ؟

« اطاعت از امر و یا از حکم » را برترین فضیلت ساختن ، به معنای آنست که همه افراد جامعه ، سرباز بشوند ، و جامعه ، یک ارتش یا سپاه گردد . جامعه ای که بر این فضیلت ، ساخته شده است ، یک « جامعه ارتشی » است ، هر چند که مردمان آن نیز ، لباس یکنواخت ارتشی نیز نپوشیده باشند . از این رو در جوامعی که اطاعت از امر ، برترین فضیلت شمرده میشود ، آن جوامع ، ارتشی + دینی هستند . تفکر دینی و تفکر ارتشی ، در چنین ادیانی باهم آمیخته اند ، و ارتش دینی ، یا دین ارتشی به وجود آورده اند . صف بستن در مساجد ، و با هم اجرای سجود و رکوع کردن و در پس یک امام نماز خواندن ، مقدس ساختن اندیشه ارتشی است . همچنین صف بستن در کلیسا و کنیسه ، از همین اندیشه حکایت میکند . شناختن این فضیلت یا تقوی ، به کردار برترین ارزش ، بیان آنست که همه افراد ، سرباز در یک ارتش هستند ، و فقط نیاز به بسیج ساختن آنها هست . در فرهنگ ایران ، « فرمان » بنا بر پژوهشهای ایرانشناسان ( یوستی و بارتولومه .. ) به معنای « مشورت کردن » است و بنا بر پژوهش های این پژوهشگر ، به اندیشه ژرفتری بر میگردد که با تصویر انسان در فرهنگ ایران ، سروکار دارد . بهمن که « خرد سامانده » و « اصل اصل کیهان و زندگی » است ، در ژرفای هرانسانی است ، میاندیشد و میخواهد ، و سروش ، اندیشه ای را که در بُن انسان ( هومان ) پدید آمده است ، به آگاهبود میآورد . چنانکه در آغاز شاهنامه ، در داستان کیومرث ، سروش دوبار پدیدار میشود . این سروش است که هر دو بار ، فرمان را از تاریکی میآورد . کیومرث در این داستان ، نقش نخستین حاکم را باری میکند ، از این رو ، شاهنامه نشان میدهد که فرمان ، از کجا باید سرچشمه بگیرد تا فرمان باشد . از این رو بود که هخامنشی

ها خود را « هخامنش » مینامیدند ، چون « اخه + من » ، نام دیگر « بهمن » است . سروش ، آورنده فرمانیست که از بهمن ( از خرد سامانده + از آسن خرد + از اصل ضد خشم و آزار که بهمن باشد + از اصل همپرسی یا رایزنی انجمنی ) که در بُن هرانسانیست میآورد . و اینکه سروش ، « تتو مانتره » خوانده میشود ، و از موبدان زرتشتی به « پیکریابی اطاعت » ترجمه میگردد ، به معنای « از زهدان سه اصل گیتی » است . بنا براین ، فرمان ، مرکب از « پرمه + مان » میباشد و پرمه ، همان prime انگلیسی و پرمه parama سانسکریت است . در سانسکریت پرم تتو parama tattva به معنای قدیمی ترین عنصر ، جوهر اصلی ، نطفه واقعی است . پرم پوروشا parama purusha به معنای اولین انسان و انسان بزرگ و کامل و بشر جامعست و پرماتما paramatma به معنای روح اعلی + جان جانها + جان بزرگ + روح اولیه + حق مطلق است . پس جای هیچ شکی نیست که فرمان همان پرمه مان یا فرمه مان است ، که به معنای « نخستین پیدایش اصل یا مینو » در انسان است . فرمان ، خواستی است که از همپرسی اصل جهان یا بهمن در درون هرانسانی ، پیدایش می یابد و از آنجا که بهمن ، اصل ضدخشم ( یعنی اصل ضد قهر و پرخاشگری و تجاوزطلبی و جنگ و جهاد ) است ، پس فرمان ، نخستین خواست برای نگرهبانی زندگی و پرورش هر جانی است . فرمان ، خواستی است که از بُن هرانسانی بوسیله سروش ، که یکی از بخشهای همین بُن است ، به آگاهبود انسان آورده میشود . بهمن که خردسامانده است ، خواست کیهانی را از راه سروش ، در آگاهی انسان ، پدیدار میسازد . بدینسان دیده میشود که انسان در فرهنگ ایران ، باید فقط از خرد سامانده یا بهمن در خود بشنود ، نه از الاهی ، نه از رسولی ، نه از اولوالامری ، نه از کتاب مقدسی .... با این اندیشه بزرگ آزادی انسان در فرهنگ ایران بود ، که موبدان و شاهان ، هزاره ها در ایران جنگیده اند ، و ما باید از سر ، این اندیشه والای فرهنگی ایران را در مردمان ، از نو بسیج سازیم . از هیچکسی جز خرد بهمنی خود فرمان نبر .